

عراقچی: کاش مذاکرات ما فیلمبرداری می شد!



کدام یک اسکار خواهند گرفت؟

جناب عراقچی در آخرین مصاحبه خود گفتند: کاش از مذاکرات ما فیلمبرداری می شد. اتفاقا ما هم خیلی ناراحتیم که چرا این لحظات حساس و نفسگیر که سرنوشت مملکتمان به تک تک ثانیه هاش گره خورده بود، فیلمبرداری نشد. مثلا یکی از صحنه های جذاب، دیدن صحنه پرتاب خودکار ایشان بود که می شد سریع و خشن ۸ یا ۹ را با الهام از آن ساخت. خلاصه! حیف شد. ولی از آنجا که ما همواره به دنبال زنده کردن یاد و خاطرات آن روزهای حماسه آفرین هستیم و می خواهیم نسل های بعدمان را نیز از این لحظات آگاه کنیم و جناب عراقچی را هم از این حسرت در آوریم، طرح چند فیلمنامه را در ادامه آورده ایم تا با بازسازی آن صحنه ها، خاطرات خوش دوران مذاکرات را برای ایشان نداعی کنیم.



پنجشنبه ۴ اسفند ۱۴۰۱
وطن امروز | شماره ۳۷۱۰

طنز



«در عوض شما چه به ما می دهید؟» و طرف مقابل می گوید: «برداشتن تحریم سنگ با». سرگروه می گوید: «بیشتهادی دادی که نتونستم درش کنم» و نقشه چند دوربرگردان را برایش می کشد. در آخر هم سرگروه کارت پستال را به طرف مقابل می دهد و می گوید: «هپی کریسمس» و طرف مذاکره کننده جواب می دهد: «مرسی ولی من یهودی ام» و همین جا فیلم فرهادی طور تمام می شود و مشخص نمی شود که آیا سرگروه سنگ پا را توانسته وارد کند یا خیر؟

میان مذاکراتی

تیم مذاکره کننده پس از کشف سیاهچاله زمانی به نام «دوران روحانی مچکریم»، به اقصی نقاط گیتی برای به دست آوردن فرمول عدم بازگشت به عقب سفر می کنند تا بتوانند نسل بشریت را نجات دهند. پس از گذر از مذاکرات مختلف و با به دست آوردن فرمول برجام، هنگامی که به کشور خود بازمی گردند متوجه می شوند با هدر دادن ۸۰ میلیون نفر، ۶۴۰ میلیون سال عقب افتاده اند. در همان هنگام یکی از اعضای گروه با روشن کردن مایناتور و دیدن صحنه رفت انگیز پاره کردن برجام، شروع به گریه کرده و دماغش را با تک تک کاغذهای برجام پاک می کند.

این طرح ها منتظر تایید هستند و تیم ایده پردازی فیلمنامه ما در حال تدوین چند طرح دیگر هست که در آینده به بیان آنها نیز می پردازیم.



پینوکیو ۲

در این فیلم، تیم مذاکره کننده، در پی پری مهربان آبی برای چرخاندن چرخ کارخانه هستند. آنها پس از گذر از کشورهای مختلف بالاخره او را در اتریش پیدا کردند. گرچه انتظار نداشتند پری مهربان آبی این شکلی باشد ولی خب همیشه دنیا طبق خواست انسان ها پیش نمی رود. تیم مذاکره کننده بالاخره دستورالعمل چرخاندن چرخ کارخانه را از او گرفتند و به کشور بازگشتند. بدشانسی آنها زمانی شروع شد که با اجرای دستورالعمل، همه چرخ ها برعکس چرخیدند و کالا همه چیز به عقب برگشت. چوری که اگر دکمه خاموش را نمی زدند احتمال بازگشت به زمان بیگنگ نیز وجود داشت. پس از بررسی های فراوان و با تطابق دستخط دستورالعمل با پایگاه داده دستخطها، فهمیدند، دستورالعمل نوشته خود گریه نره و روباه مکار بوده است.

پدرخوانده ۴

از آنجا که «فرانسیس فورد کاپولا» گند پدرخوانده را در آورده و تا سه ادامه داده است، ما مجبور شدیم روی پدرخوانده ۴ سرمایه گذاری کنیم. آخر پدر خوانده یکی دو تا سه تا. چه خبر است واقعا؟ برجام که نیست هی نتوانیم هی امضا کنیم. بله! برگردیم به طرح کلی فیلمنامه. سرگروه تیم مذاکره کننده پشت میز نشسته است که یکی از مذاکره کنندگان طرف مقابل، وارد اتاق شده و درخواست هایی را مطرح می کند. سرگروه تیم مذاکره کننده که آن روز به مناسبت 1k شدن فالوئرهای توییترش جشن بزرگی ترتیب داده بود، کاغذی روی میز می گذارد و می گوید: بنویس. مذاکره کننده طرف مقابل ابتدا فکر می کند منظورش وصیتنامه هست ولی سرگروه می گوید: خواهسته ایست را بنویس. امروز هر خواهسته ای را قبول می کنم. طرف مقابل می گوید خواهسته زیادی ندارد و فقط نقشه چند دوربرگردان ناقابل را می خواهد. تا بداند چگونه کشور سرگروه توانسته تحریم ها را دور بزند که اگر احیانا در آن ناحیه تصادف زیاد شد نتوانند با نیت انسان دوستانه آن دوربرگردان ها را ببندند. سرگروه که در حال نوشتن یک کارت پستال برای تبریک کریسمس است، در پاسخ می گوید:

فرغ زال

تجزیه و تقلیل یک سخن

ربع پهلوی در کنفرانس امنیتی مونیخ گفت: نظام سلطنتی را به جمهوری ترجیح می دهم و شاید بتوان راه نوآورانه ای برای انتخاب مقام سلطنت پیدا کرد که انتخابی (۱) باشد و ارثی نباشد... و در ادامه بدون آنکه خنده اش بگیرد گفت: عملکرد پدرم به من مربوط نیست و مردم باید من را با کارها و عملکرد و کنش های خودم قضاوت کنند. در ادامه به تحلیل چند کلیدواژه از این سخنرانی می پردازیم:

- ربع پهلوی: فردی که تمام هست و نیستش وابسته به ۲۳ کروموزوم از ۴۶ کروموزوم موجود در سلول هایش است.
- نظام سلطنتی که به صورت نوآورانه ای انتخابی باشد: جمهوری سلطنتی؛ نظامی که در آن مردم به پادشاهی و یا پادشاهی یک شخص خاص تا پایان عمرش رای بدهند و پس از آن هم به هر کدام از فرزندانش که زودتر یک دسته کروموزوم از پدرشان را به ارث برده باشند، همان رای را بدهند.
- ارثی نباشد: این فرض، سخنران از هویت خود تپه ای شده و از روی صندلی کنفرانس امنیتی مونیخ غیب می شود.
- عملکرد پدرم به من مربوط نیست: ربع شدن پهلوی از عملکردهای پدر است که در این صورت هر کسی حداقل باید مسؤولیت خودش را بر عهده بگیرد. - کارها، عملکرد و کنش های خودم: بر این اساس، با اختلاف فاحش آراء، برگزیده قاطع و محبوب به عنوان شرکت کننده در مسابقه محله و اجرای حرفه ای ترین پشتکار و راه است.

محمد رضا رضایی

چگونگی فرآیند دموکراتیک انتخاب پادشاه پک رایگان آموزش دموکراسی (مناسب رعیت)

همانطور که شاهد بودیم، پس از ایده ناب و طلایی شاهزاده رضا پهلوی برای اداره مملکت بعد از جمهوری اسلامی، مبنی بر اینکه در مملکت سلطنت باشد ولی موروثی نباشد، باز هم مزدوران رژیم که قطعاً همه شان از بیخ بسیجی هستند، شروع کردند به تمسخر اعلی حضرت و عقده مولو کاتشان برای پادشاه شدن. لذا برای بستن دهان این عناصر، به زبان رعیت فهم، این تر همایونی را توضیح می دهیم.

مواد لازم: یک عدد اعلی حضرت همایونی؛ چندین عدد اعلی حضرت همایونی یا به عبارت ساده تر همان شاهزاده؛ یک فرآیند آزادانه و دموکراتیک که نتیجه آن به قدرت رسیدن یکی از شاهزاده ها شود. ابتدا پادشاه چندتا از فرزندان را به طور کاملاً آزادانه برای جانشینی انتخاب می کند. طبیعی است که هرچه تعداد فرزندان شاه بیشتر باشد، قدرت انتخاب وی نیز بالاتر می رود.

در مرحله بعد به مناسبت این انتخاب اولیه فرخنده، مجلس جشنی به مدت هفت شبانه روز با حضور میهمانان داخلی و خارجی، به همراه انواع و اقسام خوردنی ها و آشامیدنی ها، برگزار شده و اعلی های حضرت منتخب هرچه هنر و توانایی و فر و قمبیل دارند، در این مراسم پیاده می کنند. گفتنی است این مراسم به طور زنده برای رعیت هم پخش می شود تا در مرحله بعدی سهم باشند. در مرحله آخر میهمانان مراسم با صدای تشویق و سوت و هورا شاهزاده ای را که بیشتر به درد اداره مملکت می خورد آزادانه و بدون دخالت دربار انتخاب می کنند. هر شاهزاده ای که بیشتر از مخاطب تشویق گرفت، انتخاب می شود. بعداً در مراسم جشن خیابانی که با حضور اقشار مختلف رعیت برگزار خواهد شد، آنها نیز می توانند با صدای دست و جیغ بر این انتخاب هوشمندانه صحنه گذارده و خوش باشند.

مرفیبه سادات آل ایوب

سوده سلامت

منفور

پدرم کیست مادرم چه خری ست؟ از نیایم نپرس ناجور است از من دلقک عمیقاً شوت زست هر نوع قلدری دور است ناخجور از مال مردم، نه ننه یک مبارز که شکل مزدور است آر.بی. ام، قهرمان آزادی از زتم هم هزار فیگور است اعتقاد فقط دموکراسی ست گرچه رایم و رای جمهور است سلطنت را که انتخاب کنید سهم تان گاه خوب آخور است روی تخت طلا که بنشینم نظرم هرچه هست دستور است آه کورش بخواب بیداریم این سخن های امپراتور است پس کجا رفته جان فداها مان چشم نحس کدام تان شور است؟ نکند آمریکا رهایم کرد التماسات ما که مشهور است! ملتی پشت ما نیامد؟ عه! از وکالت به بنده معذور است؟ هستم آواره از پدر جدم آخرش قبر من گم و گور است

ضمیمه طنز راه راه تازی از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: اعظم سادات موسوی
دبیر سرویس شعر: عباس تافته
دبیر سرویس کارتون و فنی:
سید محمد جواد طاهری

راه های ارتباطی

ما را در شبکه های اجتماعی
با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!

نخول نوروزی



ظاهر ابراهیم نواز

گزر رستم

تصمیم فوق العاده اهل نظر بود تحریم را می برد و دارای اثر بود در دست من خودکار جای گزر رستم آماده جنگ علیه کفر و شر بود جان عزیزت اجنبی وقت تعامل از عزت ما دائما خم تا کمر بود با اشک شرمین گفت و گو تعدیل گردید ایول مرام ما که مافوق بشر بود ساسپند و لیفتش را ولش کن مرد مومن اصلا تو می دانی که آنجا چه خبر بود؟ اشک دم مشکش مرا بیچاره می کرد رسم جوانمردی خدایا پاک خر بود تأثیر تبریکم به هنگام کریسمس بر بانوی غیر مسیحی بیشتر بود تضمین مولانا کری هم که بماند دنیا که می داند چه قدری معتبر بود باغ گلایی داشت در اغوش لوزان عین لوزیان بود آنجا، بر ثمر بود از جذب چشمان مان می مرد دشمن از ذوق امضاشان ولیکن دیده تر بود هی گفتم از برجام و صوتش را شنیدید برجام، تصویری اش یک چیز دگر بودا

زهر اراسته نیا

اسکار پرتاب

پر از اکشن، پر از جنگ و جدل بود سکانسی در تلاطم بی بدیل بود اگر اسلوموشن می شد چه بهتر! بدون کات هم قند و عسل بود چنان پرتاب شد مردانه خودکار که جای آرش، او ضرب المثل بود

اگر که فیلم آن می بود قطعاً چهل اسکار او را در بغل بود

چنان پرتاب، تیز و نقطه زن شد رقیبش عاجز از عکس العمل بود

روایت کرده اند این را که خودکار خودش افتاد و دست ما فشل بود

یقیناً بی سوادی گفته این را اگر نه شان دست ما اجل بود

بین حداقل که داستانش برای بچه ها تان یک مثل بود!؟

به جز این صحنه دیگر صحنه های خودمانیم! قدری مبتذل بود

حسن اوسسی

چه برجام و چه شور و التهایی چه دستاوردهای خوب و نابی به شرمند داده ام یک تابلو فرش به دست من هف هف ده تا گلایی

ظاهر ابراهیم نواز اکبری

محمد نظامی

یک پای مذاکرات مبهم قاطعی شده رزم و بزم با هم آورده به فکر زردیون خودکار به جای گزر رستم

صابره حبیبی

تجنگیدیم اما ایستادیم دقیقاً روی یک پا ایستادیم قدم خیلی زدیم و کم نشستیم به مرگ هسته ای ما ایستادیم

ابوالفاسیقی

همه اش فیلم بود فیلم درام من و یار و نگار و عشق مدام با منش بود میل، چون لیلی دار جد هر چه بود از برجام

سزاست صحنه برجام را بها دهند عاوملش، همه را سکه طلا بدهند بعید نیست به پاس حضور در این ژانر درون فجر که سبم رغ هم به ما بدهند

